

## تصمیمات اوکاها

تصمیم دیوان کشور بروازدن دادخواست

راجع فرجام خواستن از رای دادگاه استان مبنی بر استوار کردن یا گسیختن

رای نخستین در مورد درخواست ابطال حکم داور

ماده ۲۷ قانون داری مسوب ۱۳۱۳

شعبه (۱) دیوان کشور در دادنامه شماره ۴۳۸ بتاریخ ۱۸/۳/۱۳۳۷ چنین رای داده است:

(چون بر حسب مستفاد از ماده ۲۷ قانون حکمیت در موردی که تقاضای ابطال حکم حکم از دادگاه بدوی شده باشد رای صادر از دادگاه بدوی فقط قابل استیناف است و رای دادگاه استیناف اعم از آنکه مبنی بر تایید رای بدوی و یا فسخ و رای برخلاف آن باشد قابل شکایت فرجامی نیست بنا بر این رای فرجام خواسته قابل رسیدگی در دیوان کشور نبوده و دادخواست فرجامی بانفاق آراء رد میشود)

کسی به خواسته نظارت بر موقوفه در دادگاه شهرستان بر دیگری اقامه دعوی نموده و قضیه بدواری ارجاع میشود داور اظهار عقیده بر نظارت خواهان (مدعی) نموده - وکیل خواننده (مدعی علیه) بر حکم داور اعتراض و درخواست ابطال آنرا بموجب ماده ۲۷ قانون داری مینماید. دادگاه اعتراضات را وارد ندیده و درخواست او را وازده است - خواننده از رای نخستین پژوهش خواسته دادگاه استان قرار پژوهش خواسته را گسیخته و رای داور را محکوم ببطالان کرده است - خواهان از حکم دادگاه استان فرجام خواسته

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه خسارت تاخیر تادیه را تابع قانون مرور زمان غیر منقول دانسته

ماده ۲ و ۸ قانون ثبت ۱۳۰۸ و قانون مرور زمان ۱۳۰۶

محکوم میکند شعبه ۱ دیوان کشور در دادنامه شماره ۴۴۰ بتاریخ ۱۸/۳/۱۳۳۷ چنین رای داده است:

« استدلال دادگاه. باینکه متعلق حق مدعیان تا صوب قانون ثبت ۱۳۰۸ خود رقبه بوده نه من معامله تا موردی برای جریان مرور زمان اموال منقوله باشد فقط در قسمت اصل من موجه بوده و امارد قسمت خسارت تاخیر تادیه که اساساً از قبیل منقول میباشد مخدوش و حکم بخسارت مزبور نسبت بما قبل از ده سال از تاریخ عرض حال منطبق به قانون نمیشد ۰۰۰ »

چند نفر به خواسته تخلیه بد از ملک بر دیگری در دادگاه شهرستان اقامه دعوی نموده ولی در جریان رسیدگی خواننده (مدعی علیه) ورقه دائر بشرطی بودن معامله ارائه داده و خواهانها (مدعیان) دعوی را تغییر داده و با استناد مواد راجع معاملات شرطی با حق استرداد مطالبه من و خسارت کرده اند - دادگاه حکم بر عدم ثبوت دعوی صادر میکند دادگاه استان بر اثر پژوهش خواستن خواهانها حکم را گسیخته و طبق ماده ۳۳ و ۳۳ اصلاحی قانون ثبت خواننده را بپرداخت مبلغی بابت ثمن معامله و خسارت تاخیر تادیه

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه گواهی گواهان را در مورد تخلیه مورد اجاره نپذیرفته

ماده ۱۳۰۶ و ماده ۱۳۰۷ قانون مدنی

«دادگاه استان تقاضای تحقیقات محلی را که از طرف مدعی علیه برای اثبات عدم تصرف خود در عین مستاجر بعد از انقضاء مدت اجاره شده بوده با استناد ماده ۱۳۰۷ قانون مدنی قابل قبول ندانسته در صورتیکه خلع ید از رقبه مورد اجاره پس از انقضاء مدت اجاره از قبیل عمل بمعهد نبوده و ماده مزبور منطبق بدین مورد نمیباشد بنا بر این حکم فرجام خواسته از جهت عدم صحت استدلال مطابق ماده ۳۴۳ با اتفاق آراء منقوض است . . . . .»

کسی از مستاجر سابق خود در دادگاه مطالبه اجرة المثل از تاریخ انقضاء مدت اجاره تا زمان صدور حکم کرده دادگاه نخستین خواننده را محکوم کرده دادگاه استان درخواست تحقیق محلی از طرف پترهش خواه برای اثبات تخلیه مورد اجاره در تاریخ انقضاء مدت را بعنوان آنکه تخلیه ملک مورد اجاره بک نوع عمل تمهیداست و این امر بوسیله گواهی ثابت نمیشود رد کرده - دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۴۳۱ بتاريخ ۱۸/۳/۱۸ چنین رای داده است :

### رأی دیوان کشور بر وازدن دادخواست

در مورد فرجام خواهی مدعی خصوصی که در باز جوئی و دادرسی مطالبه زیان نکرده

ماده ۳۵۱ اصلاحی و ۳۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری

پیدا میکنند که زیان بافته از بزه طبق مقررات حق شخصی خود را مورد مطالبه قرار داده و از طرف دعوی محسوب شود تا اگر حکم دادگاه در حقوق شخصی او مؤثر باشد بتواند درخواست فرجام نماید و نظر باینکه در این مورد فرجام خواه در باز جوئی و دادرسی بمطالبه زیان ناشی از بزه ادعائی طبق مقررات اقدام نکرده تا در صورت تاثیر حکم فرجام خواسته در حقوق خصوصی او حق در خواست فرجام داشته باشد و صرف دادن توضیحی در اطراف قضیه (که از برکهای پرونده رسیدگی پترهش استفاده میشود) برای تحقق این عنوان بطوریکه حق در خواست فرجام را برای او ایجاد نماید کافی نخواهد بود بنا بر این دادخواست فرجامی او نسبت بحکم نبرته متهم که از لحاظ جنبه عمومی است قابل قبول نمیباشد بموجب ماده ۴۵۳ قانون فوق الذکر بانفاق آراء رد میشود . . . . .»

کسی از موجر خود شکایت کرده که مشارالیه مبلغی بابت مال الاجاره از او گرفته در صورتیکه مباشر او هم مال الاجاره را در محل از او دریافت و قبض سپرده است دادگاه جنحه او را طبق ماده ۲۳۸ قانون مجازات با رعایت تخفیف بحبس تادیبی محکوم کرده - بر اثر پترهش خواستن متهم دادگاه استان عمل را ثابت ندیده و با گیتختن دادنامه او را نبرته نموده - شاکی خصوصی از این دادنامه فرجام خواسته - شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۴۷۶ بتاريخ ۲/۳/۱۸ چنین رای داده است :

«نظر باینکه طبق ماده ۳۵۱ و ۳۶۰ قانون اصول محاکمات جزائی حق در خواست فرجام برای مدعیان خصوصی نسبت باحکام دادگاه استان فقط از حیث ضرر و زیان ناشی از بزه میباشد و بدیهی است که اینجهت وقتنی موضوع

### رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه جنائی در حالتیکه به بزه جنائی رسیدگی میکرد. رای پژوهشی نسبت دادنامه دادگاه جنجه داده

جنجه را استوار کرده - شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۹ بقرین ۳-۳-۱۸ بر اثر فرجام خواهی متهم چنین رای داده است :

«دادگاه جنائی وظیفه دادگاه استان را انجام داده و حکم جنجه را تایید کرده و با رعایت تعدد جرم حکم در سال حبس مجرد را در حق متهم تعیین نموده است در صورتیکه اقدام دادگاه بتایید حکم جنجه برخلاف قانون بوده و مادام که تکلیف حکم مزبور در مرجع قانونی معین نشود رعایت تعدد جرم موضوع نداشته است بقاء علیه حکم فرجام خواسته قانونی نبوده و بانفاق آراء بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جنائی نقض میشود.»

کسی بانهاض ضرب بکسی و نمرود بمأمور دولت در دادگاه جنجه بحبس تأدیبی محکوم شده - در موقعی که پژوهش خواسته بانهاض مجروح نمودن مأمور دولت نیز مورد تعقیب دادسرا واقع و قضیه در دادگاه جنائی طرح میشود - دادگاه استان بملاحظه طرح این قضیه در دادگاه جنائی خود را صالح برای رسیدگی بیزه های نخستین که متهم محکوم شده بوده و از دادنامه جنجه پژوهش خواسته ندانسته و قرار عدم صلاحیت بعنوان صلاحیت دادگاه جنائی صادر کرده - دادگاه جنائی برای بزه اخیر بر طبق ماده ۱۶۶ قانون مجازات و ماده ۲ الحاقی و ۴۵ مکرر او را بدو سال حبس مجرد محکوم نموده و نسبت بیرونده پژوهشی نیز داد نامه

### رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه استان با عدم احراز مراجعه قبلی مأمور باهل خانه یا کمان خوانده « از لحاظ گذشتن موعد » دادخواست پژوهشی را وازده

ماده ۲۷ قانون آزمایش

راه مأمور ابلاغ با چهار اورا و ادار بر وقت حکم مزبور نموده متدرجاتش بلا دلیل و لذا قابل ترتیب اثر نمیباشد علیهذا چون بجهات مذکوره حکم مستأنف عه در تاریخ ۱۵-۱-۲۹ قانونا ابلاغ شده و تقدیم درخواست استینافی ۹-۹-۱۶ و قریب ۲۰ ماه بعد از ابلاغ حکم بوده لذا درخواست مزبور قابل قبول نبوده و دادگاه استیناف قرار رد آن صادر مینماید خواننده از قرار مزبور فرجام خواسته دیوان کشور شعبه (۴) در حکم شماره ۲۰۹ بقرین ۳۱-۳-۱۸ چنین رای داده است :

[مطابق ماده ۲۷ اصول محاکمات اصلاحی در صورتیکه مأمور نتواند بشخص مدعی علیه ابلاغ کند بیکسی از اهل خانه یا کمان او که متصدی امور او هستند تبلیغ و اگر اشخاص مذکور نباشند یا نخواهند رسید باید دادخواست را به

کسی در دادگاه شهرستان بر رفع بد از ملکی محکوم شده و از دادنامه پژوهش خواسته - دادگاه استان بمد از رسیدگی چنین رای داده است « حکم مستأنف عه در تاریخ ۱۵-۱-۲۹ بمستأنف ابلاغ گردیده باین ترتیب که چون مدعی علیه در محل نبوده بکدخدای دولتی تسلیم شده و از طرف مشارالیه هم ذیل حکم باین عبارت نوشته شده - « ۱۵-۱-۲۹ اینجانب کدخدای دولتی ۰۰۰۰ چون که [مدعی علیه] در قریه مزبور نبوده و در ۰۰۰۰ رفته و اینجانب رؤیت نمودم که ورقه نانی را بر وقت او برسانم کدخدای دولتی ۰۰۰۰ که مأمور ابلاغ هم مراتب را ذیلاً تصدیق کرده علیهذا ابلاغ مزبور بر طبق ماده ۲۷ قانون آزمایش قانونی محسوب بوده و نوشته منتسب بکدخدای مزبور خلاصه آنکه اینجانب کدخدای دولت خوانده بقرین ۲۵ بقرین

باشد تا تسلیم باو ابلاغ قانونی محسوب شود لذا قرار رد دادخواست باستناد ماده مذکور بدون توجه بترتیبی که در آن ذکر شده صحیح نبوده و قرار مزبور بموجب شق ۳ ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود.

ماده و ترتیبی که ذکر شده تسلیم میکنند و در این مورد از رأی دادگاه استان و گواهی مامور و محتویات دیگر پرونده معلوم نمیشود که مامور باشخص مذکور مراجعه کرده و بواسطه نبودن یا امتناع آنها از قبول نوبت بکد خدا رسیده

### رأی دیوان کشور بر شکستن از جهت درست نبودن دلیل حکم

در موردیکه دادگاه بدرخواست تحقیق محلی که از طرف مستأجر برای اثبات عدم تصرف بعد از مدت اجاره شده ترتیب اثر نداده

ماده ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ قانون مدنی

(۱) در دادنامه شماره ۴۳۱ بتاريخ ۱۸-۳-۱۳۰۷ چنین رأی داده است:

(دادگاه استان تقاضای تحقیقات محلی را که از طرف مدعی علیه برای اثبات عدم تصرف خود در عین مستأجره بعد از انقضاء مدت اجاره شده بوده باستناد ماده ۱۳۰۷ قانون مدنی قابل قبول ندانسته در صورتی که خلع بد از رقبه مورد اجاره از قبیل عمل بتعهد نبوده و ماده مزبور منطبق بدین مورد نمیباشد بنا بر این حکم فرجام خواسته از جهت عدم صحت استدلال مطابق ماده ۳۴۳ با اتفاق آراء منقوض است . . .)

موجری مبلغی بابت اجرت المثل از مستأجر نظلم نموده - دادگاه شهرستان خواننده (مدعی علیه) را بپرداخت مبلغی بعنوان اجرت المثل و خسارت محکوم نموده - محکوم علیه پژوهش خواسته - دادگاه استان (باستناد اینکه تصرف مستأجر در عین مستأجره تا تاریخ صدور حکم تخلیه که مورد استناد موجر است محرز میباشد ولی نسبت بتصرف او از تاریخ صدور حکم تخلیه ببعد چون مستأجر تصرف خود را از تاریخ مزبور منکر و موجر هم دلیل با اوضاع و احوالی برای اثبات ندارد) حکم را نسبت باجرت المثل از انقضاء مدت اجاره تا صدور حکم استوار ولی نسبت ببدت از تاریخ صدور حکم ببعد گسیخته است - دیوان کشور شعبه

### رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد پذیرفتن درخواست تکمیل بازجوئی در امر جزائی

ماده ۸ مقررات راجع بطرز رسیدگی در دیوان کیفر و ماده ۲ الحاقی

درخواست مشاراله ترتیب اثر نداده -

۲- دادگاه مشارالیه را باختلاس وجه ودیعه . . . محکوم نموده در صورتیکه نسبت بسایر وجوه ودایع که موضوع اتهام او بوده و اختلافی با ودیعه شخص نامبرده نداشته حکم تبرئه داده و بالتسبیح در يك موضوع دو حکم متضاد صادر شده است.

۳- مورد حکم دادگاه اضافه بر چیزی است که طبق ادعای نامبرده مورد دعوی دادستان دیوانجزا بوده است -

کسی در دیوان کیفر بیزه چند فقره اختلاس بانفصال ابدان کار دولتی بپرداخت ۵ برابر مال مورد اختلاس محکوم میشود - بر اثر فرجام خواستن او دیوان کشور شعبه [۲] در دادنامه شماره ۶۹۲ بتاريخ ۲۸-۳-۱۸ چنین رأی داده است:

(اعتراض های متهم که عبارت است از ۱- در بازجوئی های مقدماتی نواقصی بوده و بوسیله لایحه رفع آن نواقص و تکمیل بازجوئی را از دادگاه درخواست نموده و دادگاه به

دعوی بوده و تبرئه او در قسمتهای دیگر بلحاظ عدم کفایت دلایل مانع قانونی نداشته و نمیتوان گفت حکم موضوعاً متضاد و مخالف اصول صادر شده است - ثالثاً بر فرض که مورد حکم دادگاه زاید بر مورد دعوی باشد از ملاحظه ماده ۱ مواد الحاقی باصول محاکمات جزائی که دادگاه را مکلف نموده موضوعاتی را هم که موضوع دعوی نباشد ولی محتویات پرونده متهم را مضمون بارتکاب بنماید مورد رسیدگی حکم قرار دهد این اختیار برای دادگاه استفاده میشود [۰۰۰]

هیچیک موجب نقض حکم محکومیت مشارالیه نمیشود زیرا اولاً طبق مستفاد از ماده ۸ مقررات راجع بطرز رسیدگی در دیوانجزا مصوب آذر ۳۰۸ تشخیص نقصان بازجوئیها موقوف بنظر دادگاه است که هرگاه نقصانی مشاهده نماید دستور تکمیل آنرا بدهد و در این موقع بشرح قرار سالمه ۲۷ تیر ماه ۱۳۱۷ صادر در جلسه مقدماتی دادگاه در بازجوئی هامقدماتی نقصانی تشخیص نداده و پرونده را برای رسیدگی در جلسه علنی کامل دانسته ثانیاً اصدار حکم محکومیت متهم نسبت بقسمتی از وجوه ودیعه که اختلاس آن مورد

### رای دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در موردیکه بواسطه تکرار سنخ کیفر بالا میرود بماده ۴۵ مکرر استناد نموده ماده ۴۴ و ۴۵ مکرر قانون مجازات

براینکه دره وارد تکرار با تعدد و همچنین در کلیه مواردی که مطابق قانون مجرم باید بعداً کثر مجازات محکوم شود مجازات متهم بکمتر از حداقل تنزیل داده نمیشود و در اینمورد که بواسطه تکرار جرم سنخ مجازات بالا می رود استناد بماده مزبور موردی نداشته چه آنکه تخفیف در اینگونه موارد بایستی برطبق ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی بعمل آید بناء علیه حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض می شود [۰۰۰]

دو نفر بیزه دزدی بر طبق مواد ۲۷ و ۲۲۶ قانون مجازات و ۲۵ اصلاحی (از لحاظ داشتن دو پیشینه محکومیت) با رعایت ماده ۴۵ مکرر بسه سال حبس با اعمال شاقه و توقف اجباری در دادگاه جنحه محکوم شده اند - بر اثر پژوهش خواهی آنها دادگاه استان رسیدگی و دادنامه را استوار کرده - متهمان فرجام خواسته دیوان کشور شعبه ۵ در دادنامه شماره ۶۷۶ بتاریخ ۲۸/۳/۱۸ چنین رأی داده است:

« نظر باینکه در صدر ماده ۴۵ مکرر تصریح شده

### رای دیوان کشور بر شکستن

راجع بموردیکه در دعوی وقف بدادستان اطلاع داده نشده

ماده ۶۶ قانون سازمان دادگستری و ۵۴ قانون آزمایش

صادر کرده بر اثر فرجام خواهی خواننده ها شعبه ۳ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۶۲ بتاریخ ۳/۳/۱۸ چنین رأی داده است:

« چون از طرف [خواننده] در لایحه پیوست بدادخواست اعتراضی بر حکم غیابی دادگاه استان اظهار شده است که نسبت بچهار پلاک رقبات بعنوان تولیت تقاضای ثبت نموده

چند نفر بخواسته خلع بد از رقباتی بر دو نفر وارث در دادگاه شهرستان اقامه دعوی کرده دادگاه دعوی خواهانها را وازده و در مرحله پژوهشی غیاباً بنفع آنها رأی صادر و در مرحله اعتراضی نیز استوار شده - در نتیجه رسیدگی فرجامی دیوان کشور دادنامه را شکسته و بدادگاه استان دیگر ارجاع کرده دادگاه اخیر دادنامه بخلع بد خواننده ها

و در صورتیکه مقصود از اظهار مزبور وقف عام باشد اظهار نظر دادستان در مورد نزاع لازم بوده است و جلسه اخیر رسیدگی بمشارایه اطلاع داده نشده است بنا بر این حکم

فرجام خواسته بعلمت نقض تحقیق در اینخصوص و عدم اطلاع بدادستان بموجب ماده ۳۲۰ قانون اصول محاکمات آزمایش نقض میشود ۰۰۰

### رای دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد وازدن دادخواست پژوهشی از رای نخستین که بواسطه فوت خواهان تعقیب دعوی ورثه را منوط بتجدید دادخواست نموده

ماده ۸ قانون تسریع

کسی بمخواستہ مبلغی بردگیری اقامه دعوی نموده و چون در جریان رسیدگی فوت کرده دادگاه شهرستان دادخواست او را بواسطه عدم تعقیب ورثه کان لم یکن دانسته و تعقیب دعوی ورثه را منوط بتجدید دادخواست نموده ورثه پژوهش خواسته اند - دادگاه استان (بملاحظه اینکه قرار پژوهش خواسته نه متضمن وازدن دادخواست است و نه مستلزم وازدن دعوی و بعبارت اخیری دعوی را از دادگاه خارج نکرده و هیچ حقی از خواهان جز تحمیل هزینه تفویض نشده و چنین تصمیمی از قرارهای قابل پژوهش نیست قرار وازدن دادخواست پژوهشی را داده - بر اثر فرجام خواستن ورثه

شعبه ( ۴ ) دیوان کشور در دادنامه شماره ۵۰۰ بتاریخ ۱۸/۳/۵۰ چنین رای داده است :  
« هر چند استدلال دادگاه باینکه قرار پژوهش خواسته دعوی را از دادگاه خارج نکرده و حقی از مدعی جز تحمل مخارج تفویض نشده صحیح نیست زیرا جهات مذکور در قانون مناط قبول در دادخواست پژوهشی مقرر نگردیده لیکن چون استدلال باینکه قرار مزبور نه متضمن رد عرض حال و نه مستلزم رد دعوی و از قرارهای قابل استیناف نیست خالی از اشکال است و با این استدلال خدشه در دلیل دیگر موجب نقض قرار مورد شکایت نمیشود لذا قرار مزبور باتفاق آراء مبرم است »

### رویه دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد وازدن دادخواست پژوهشی از قرار اناطه

ماده ۱۷ و ۱۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری

کسی بیزه اینکه در مقابل بدهی که بدگیری داشته مقداری از گندم شاکی را باسم خود معرفی نموده تحت تعقیب واقع و باز پرس « از لحاظ اینکه هر دو نفر خواهان « مدعی » مالکیت گندم بوده اند » قرار اناطه با موافقت دادستان صادر کرده - شاکی خصوصی پژوهشی خواسته و دادگاه استان از نظر اینکه قرار اناطه از موارد ماده ۱۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری نیست قرار وازدن دادخواست را داده - دادستان استان از قرار مزبور فرجام خواسته شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۴۵ بتاریخ ۱۸/۲/۲۴

چنین رای داده است :

« مفاد اعتراض دادستان استان اینست که در این مورد قرار اناطه حقوق مدعی خصوصی را تضییق مینماید و بناء علیه قابل پژوهش خواهی از ناحیه مدعی خصوصی بوده است که وارد نیست چه آنکه قرار اناطه وقتی حقوق خصوصی را تضییق مینماید که دلایل او در دادگاه حقوقی مسموع نباشد و یا دعوی او از دعاوی باشد که اقامه آن در دادگاه حقوق غیر ممکن فرض شود و این مورد شامل هیچیک از آنها نیست در اینصورت قابل پژوهش خواهی نمیشود ۰۰۰ »